

پیام متین

«الفکر یهدی الی الرشد»

«اندیشه به سوی رشد هدایت می‌کند»

امام علی علیه السلام

این شماره از فصلنامه متین به موضوع اندیشه سیاسی در اسلام اختصاص یافته است و اکثر مطالب مندرج در این شماره به بحث در این حوزه مهم می‌پردازد.

با استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران و تلاش آن برای حاکمیت بخشیدن به اندیشه اسلامی در صحنه اجتماعی - سیاسی، موضوع اندیشه سیاسی در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد. زیرا بسیاری از مسائل و موضوعات بعد از انقلاب، ریشه در بنیادهای فکری و اندیشه‌ای داشت که بدون تبیین دقیق مبانی نظری، حل موضوعات و ارائه راهکاری مناسب و جامع برای آن امکان نداشت. بسیاری از چالشهای جدی و مهم انقلاب یا در حوزه اندیشه سیاسی قرار داشت یا به طور غیرمستقیم با این حوزه در ارتباط بوده است. مسائلی همچون: رابطه دین و عقل، دین و سیاست، دین و دنیا، اسلام و غرب، مشروعیت نظام سیاسی و ارائه تبیین مناسبی از آزادی، قانون، جمهوریت و استقلال در نظام اسلامی نیازمند بحثهایی جدی در حوزه اندیشه سیاسی است. تئوریزه کردن نظام مردم سالاری دینی به عنوان الگوی نظام سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی به تبیین دقیق

مبانی نظری و اندیشه‌ای آن در حوزه مذکور احتیاج دارد و ارائه الگویی بدیل برای اصلاحات و نوسازی در کشور نیازمند رسیدن به اجماعی در حوزه اندیشه سیاسی است و اصولاً پایداری نظام جمهوری اسلامی به عنوان نظامی مبتنی بر مبانی نظری و فکری و ایدئولوژی خاص نیازمند قرار گرفتن بر پایه‌های محکم اندیشه‌ای و فکری است تا بتواند با قدرت و اقتدار به ارائه راهکارهای مستقل و ملهم از مبانی نظری خود در صحنه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بپردازد و به بالندگی خود به عنوان یک الگوی بدیل در جهان امروز ادامه دهد.

اصولاً ضعف اندیشه‌ورزی در حوزه اندیشه سیاسی در تاریخ اسلام و ایران، صدمات تاریخی غیرقابل جبرانی را تاکنون نصیب مسلمانان و ایرانیان نموده است و موجب افول تمدن جهان اسلام و فرهنگ اسلامی - ایرانی در مقابل تمدنها و فرهنگهای رقیب شده است که برتری فرهنگ غربی و تسلط نسبی آن در حوزه تمدن اسلام و ایران یکی از نتایج مهم در یکصد سال گذشته بوده است. خاموش شدن چراغ اندیشه که ریشه در خاموشی چراغ عقل و تعقل در بین مسلمین دارد موجب فرارسیدن شام دیجوری گردید که حرامیان در تاریکی به غارت تمامی میراث فرهنگی مسلمین پرداختند و نتایج ناگوار و مصیبت‌باری را بر امت مسلمان و کشور اسلامی ایران تحمیل کردند. سلطه‌طلبان با استفاده از محاق عقل و تعقل و افول اندیشه و ضعف مبانی تئوریک اندیشه اسلامی، اندیشه‌های وارداتی خود را بر ما تحمیل کردند و «الگوی چگونه بودن» را بر اساس مدل‌های مشخص غربی و شرقی و با مهندسی اجتماعی در جهان اسلام شکل دادند که در نتیجه این اقدامات، این جوامع هویت خود را از دست داده و دچار استحاله شدند، به طوری که بازنمایی و بازسازی آن، نیازمند سالها زمان و هزینه‌های بسیاری است و در مواردی نیز غیر ممکن خواهد بود.

پاسخ به این سؤال که چرا چراغ عقل و اسلام عقلگرا در جوامع اسلامی تضعیف شد و چرا قرائتهای متحجرانه و عقل‌ستیز در این جوامع گسترش یافت، خود حدیث دیگری است که باید به آن در جای دیگری به صورت مبسوط و مشروح پرداخت و ریشه‌های آن را شناخت و با استفاده از تجربه تاریخی مانع تکرار آن شد.

به هر حال با ظهور انقلاب اسلامی در ایران، دیدگاه عقلگرایانه شیعی که به تدریج از اوایل دوره قاجار با پیروزی علمای اصولیون شیعه بر اخباریون سوسوزنان شروع به روشنائی بخشیدن نموده بود و فقهای بزرگ اصولی شیعه آن را در سالهای بعد فروزانتر کردند، توسط فقیه بزرگ شیعه حضرت امام

خمینی رحمته الله مطرح گردید و با تأکید مجدد ایشان بر رابطه عقل و شرع، زمان و مکان، مصلحت و... جهت حل مشکلات جوامع و استقرار نظامی سیاسی راهکارهای عقلانی اسلام را ارائه نمودند. اما تجربه عملی جمهوری اسلامی و تلاش برای استقرار الگوی جدید در عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ، چالشهای جدید فکری مهمی را برای دولتمردان، سیاستمداران و کلیه هواداران حاکمیت نظام اسلامی فراهم آورده است که نحوه برخورد با این چالشها می تواند جهت و آینده این نظام دینی را روشن و مشخص نماید. البته برخورد مناسب با این چالشها نیازمند تقویت اندیشه ورزی، عقلگرایی و پاسداشت نگرش عقلگرایانه فقهای بزرگ اصولی شیعه بویژه امام خمینی رحمته الله به عنوان سمبل این جریان فکری می باشد تا با تقویت مبانی نظری و اندیشه ای انقلاب بتوانیم این نظام فکری سیاسی را در مقابل آسیبها حفظ کرده و با تقویت پایه های نظری، شاخه های مبارک فکری آن را که ارائه راهکارهای بدیل در حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ برای بشر امروز است، در سراسر جهان بگسترانیم.